

Introduction

Access to timely and relevant information is important to everyone, especially during emergencies. Effective alerts and warnings are those that result in members of the public taking recommended actions to protect themselves. To ensure that messages are effective when delivered to the whole community, it is critical to include multiple languages and formats. This information needs to be understood, consumable, and actionable by all Californians, including the estimated 7 million for whom English is not their primary language.

To address this issue, the California Governor's Office of Emergency Services (Cal OES) has created this Language Style Guide to assist alerting authorities. The Guide is a key resource in the issuance of multilingual emergency notifications in a manner reflective of the key linguistic features of the source emergency notifications templates. This style guide is intended to be used in conjunction with the Wireless Emergency Alert Library of translated Emergency Notification Language Templates available on the [CalAlert.org](https://www.calalert.org) website.

Nothing in this guide is intended to conflict with, or supersede, any existing arrangement for dissemination of public alerts and warnings by local, state, or federal agencies.

مقدمه

دسترسی به موقع به اطلاعات مرتبط برای همه مهم است، مخصوصاً در شرایط اضطراری. هشدارها و اخطارهای مؤثر آنهایی هستند که منجر به انجام اقدامات توصیه شده برای محافظت از خود توسط افراد جامعه می شود. به منظور اطمینان از اینکه پیامها هنگام تحویل به کل جامعه مؤثر هستند، بسیار مهم است که شامل چندین زبان و قالب باشند. این اطلاعات باید توسط همه کالیفرناییها، از جمله 7 میلیون نفری که زبان اصلی آنها انگلیسی نیست، درک شود، و قابل مصرف و قابل اجرا باشد.

برای رسیدگی به این مشکل، دفتر خدمات اضطراری فرمانداری کالیفرنیا (Cal OES) این راهنمای سبک زبان را برای کمک به مقامات صادرکننده هشدار ایجاد کرده است. این راهنما یک منبع اصلی در صدور اعلانهای اضطراری چندزبانه است به نحوی که منعکس کننده ویژگیهای اصلی زبانی الگوهای اعلانهای اضطراری منبع باشد. این راهنمای سبک برای استفاده به همراه «کتابخانه هشدار اضطراری بی سیم» از الگوهای زبانی ترجمه شده اعلان اضطراری که در وبسایت [CalAlert.org](https://www.calalert.org) موجود است در نظر گرفته شده است.

هیچ یک از مطالب این راهنما قرار نیست با هیچ کدام از ترتیبات موجود برای انتشار اخطارها و هشدارهای عمومی توسط آژانسهای محلی، ایالتی یا فدرال در تضاد باشد یا جایگزین آن شود.

Background

Emergency notifications must be accessible to, and understandable by, diverse populations to effectively relay information regarding threats or hazards. Messaging should be clear, consistent, and linguistically appropriate.

The state of California is comprised of many diverse communities, some of which include individuals with Limited English Proficiency. Identifying the most commonly used languages and having a process in place to translate warning messages, will ensure the greatest number of individuals understand the warnings being sent. It is important, however, to not let the inability to translate a message delay notification when time is of

the essence and lives are at risk.

California Code of Regulations §8594.16 specifies that emergency notifications issued to the public shall be translated into two of the most commonly spoken languages other than English in any impacted county or counties.

Written correspondence is typically more formal than verbal communication. Therefore, certain considerations are called for when communicating in languages other than English. For example, when utilizing translation services, it is preferable to contract with local translators. There are multiple world language interpreting and translation service providers.

Jurisdictions should identify a world language service providers and establish contracts for services prior to any disaster to ensure timely and effective communication during events. Language service contracts should be available 24/7 to bridge any communication gaps quickly, efficiently, and in an attentive manner during steady state and in times of crisis.

Jurisdictions should be aware that written English and target languages present differently due to certain basic concepts for writing. Examples include:

- Use of capital letters in headlines,
- Use of capital letters in general (languages have different grammar rules),
- Some punctuation marks that have different usages (colon, dash, etc.),
- References to seasonal conditions in the source (for example, "Last summer, the agency..." considering "summer" resonates to a different time of the year for certain cultures.)
- Names of agencies, including acronyms, should remain untranslated and include a description of the service provided, as needed.
- In some cases, there is no equivalent term. In this case, provide the original name and an appropriate equivalent in parenthesis.

پیشینه

اعلان‌های اضطراری باید برای جمعیت‌های مختلف قابل دسترسی و قابل درک باشد تا به‌طور مؤثر اطلاعات مربوط به تهدیدات یا خطرات را بازپخش کنند. پیام باید واضح، منسجم، و از نظر زبانی مناسب باشد.

ایالت کالیفرنیا از اقلیت‌های مختلف متعددی تشکیل شده است که برخی از آنها دارای افرادی با مهارت انگلیسی محدود هستند. با شناسایی متداول‌ترین زبان‌ها و داشتن فرآیندی برای ترجمه پیام‌های هشداردهنده، اطمینان حاصل می‌شود که بیشترین تعداد افراد هشدارهای ارسالی را درک می‌کنند. با این حال، مهم است که اجازه داده نشود وقتی زمان مهم است و زندگی افراد در معرض خطر است، ناتوانی در ترجمه یک پیام، آگاه‌سازی را به تاخیر بیندازد.

بخش 8594.16 مجموعه قوانین کالیفرنیا مشخص می‌کند که اعلان‌های اضطراری منتشر شده برای عموم باید به دو زبان متداول به غیر از انگلیسی در هر شهرستان یا شهرستان‌های مورد نظر ترجمه شود.

مکاتبات کتبی معمولاً رسمی‌تر از ارتباط کلامی است. بنابراین، هنگام برقراری ارتباط به زبان‌هایی غیر از انگلیسی، برخی ملاحظات باید رعایت شود. به‌عنوان مثال، هنگام استفاده از خدمات ترجمه، بهتر است با مترجمان محلی قرارداد بسته شود. ارائه‌دهندگان خدمات متعددی وجود دارند که خدمات ترجمه و ترجمه شفاهی زبان‌های دنیا را ارائه می‌دهند.

حوزه‌های اختیارات باید ارائه‌دهندگان خدمات یک زبان را شناسایی و قبل از هر فاجعه‌ای قراردادهایی را برای خدمات منعقد کنند تا از ارتباط

به موقع و مؤثر در طول رویدادها اطمینان حاصل کنند. قراردادهای خدمات زبان باید 24 ساعته و 7 روز هفته در دسترس باشد تا هرگونه شکاف ارتباطی را به سرعت، به طور مؤثر و با دقت در شرایط باثبات و در مواقع بحران پر کنند. حوزه‌های اختیارات باید آگاه باشند که انگلیسی نوشتاری و زبان‌های مقصد به دلیل برخی مفاهیم اولیه برای نوشتن، متفاوت به نظر خواهند رسید. به عنوان مثال:

- استفاده از حروف بزرگ در تیتراها،
- استفاده از حروف بزرگ به طور کلی (زبان‌ها قوانین دستوری متفاوتی دارند)،
- برخی از علائم نگارشی که کاربردهای متفاوتی دارند (دونقطه، خط تیره و غیره)،
- اشاره به شرایط فصلی در منبع (به عنوان مثال، «تابستان گذشته، آژانس...» با در نظر گرفتن این که «تابستان» در برخی فرهنگ‌ها نمایانگر زمان متفاوتی از سال است.)
- اسامی آژانس‌ها، از جمله نام‌های اختصاری، باید ترجمه نشده باقی بمانند و در صورت لزوم، شامل شرح خدمات ارائه شده باشند.
- در برخی موارد، واژه معادلی وجود ندارد. در این صورت نام اصلی را ذکر کنید و معادل مناسب را در پرانتز بیاورید.

General Rules

Jurisdictions are encouraged to establish a message library with sample messages that have been translated into the languages most commonly used in the communities that they serve. Pre-planned messages can save time in a disaster and ensure accurate translations exist for messages that are critical for the community.

For this determination of translated emergency notifications and prescript templates, the following apply:

- Do not translate names of agencies, programs, or proper names
- Do not translate locations, streets, cities, counties, etc.
- Do not translate signage, or acronyms
- Do not translate names of cooling/warming centers, evacuation shelters, distribution or dispensary locations, or names
- Do not translate web addresses, email addresses, or hyperlinks
- Avoid slang, jargon, or metaphors

Applying concepts found in this Language Style Guidelines will help to enable all Californians to have lifesaving information in a language or format that is accessible and understandable to them.

قوانین عمومی

از حوزه‌های اختیارات تقاضا می‌شود یک کتابخانه پیام با پیام‌های نمونه ایجاد کنند که این پیام‌ها به زبان‌های متداول مورد استفاده در جوامع محل خدمت آنها ترجمه شده باشند. پیام‌های از پیش برنامه‌ریزی شده می‌توانند هنگام بروز فاجعه باعث صرفه‌جویی در زمان شوند و اطمینان بدهند که برای پیام‌هایی که برای جامعه حیاتی هستند ترجمه دقیق وجود دارد.

تعیین این اعلان‌های اضطراری ترجمه شده و الگوهای مقرر شده، مشمول موارد زیر می‌شود:

- نام آژانس‌ها، برنامه‌ها یا اسامی خاص را ترجمه نکنید
- مکان‌ها، خیابان‌ها، شهرها، شهرستان‌ها و غیره را ترجمه نکنید.
- علائم یا کلمات اختصاری را ترجمه نکنید
- نام مراکز سرمایه‌اش/گرمایش، پناهگاه‌های تخلیه، مکان‌ها یا نام‌های مراکز توزیع یا داروخانه عمومی، را ترجمه نکنید
- نشانی‌های وب، آدرس‌های ایمیل یا پیوندهای اینترنتی را ترجمه نکنید
- از زبان عامیانه، اصطلاحات مخصوص یک صنف، و یا استعاره اجتناب کنید

به کارگیری مفاهیم موجود در این دستورالعمل سبک زبانی، به همه کالیفرنایی‌ها امکان می‌دهد اطلاعات نجات‌دهنده را به یک زبان یا قالب آسان و قابل درک در اختیار داشته باشند.

Glossary of Standards Emergency Notification Terms and Abbreviations (English)

فهرست واژگان و اختصارات استاندارد اعلان اضطراری (انگلیسی)

Access and Functional Needs (AFN): As defined in Government Code section 8593.3, access and functional needs refers to individuals who have developmental, intellectual, or physical disabilities; chronic conditions or injuries; limited English proficiency or non-English speaking; Or, individuals who are older adults, children, or pregnant; living in institutional settings; low- income, homeless, and/or transportation disadvantaged; or from diverse cultures.

نیازمندی‌های کاربردی و دسترسی (AFN): همانطور که در بخش 8593.3 مقررات دولتی تعریف شده، نیازمندی‌های کاربردی و دسترسی به افرادی اطلاق می‌شود که دارای ناتوانی‌های رشدی، فکری یا جسمی؛ بیماری‌ها یا جراحات مزمن؛ تسلط محدود به زبان انگلیسی یا غیرانگلیسی زبان هستند؛ یا افرادی که سالخورده، کودک یا باردار هستند؛ در محیط‌های سازمانی زندگی می‌کنند؛ کم‌درآمد، بی‌خانمان، و/یا از نظر حمل و نقل محروم هستند؛ یا از فرهنگ‌های مختلف هستند.

Advisory: Highlights special conditions that are less serious than a warning, shelter in place, or evacuation. They are for events that may cause significant inconvenience, and if caution is not exercised, it could lead to situations that may threaten life and/or property.

مشاوره‌ای: به شرایط ویژه‌ای اشاره می‌کند که کمتر از هشدار، پناه گرفتن در محل، یا تخلیه جدی هستند. این شرایط برای رویدادهایی است که ممکن است دردسر قابل توجهی ایجاد کنند، و اگر احتیاط نشود، ممکن است منجر به موقعیت‌هایی شود که می‌تواند جان افراد و/یا دارایی‌ها را تهدید کند.

Agency Representative: A person assigned by a primary, assisting, or cooperating federal, state, territorial, tribal, or local government agency or private entity that has been delegated authority to make decisions affecting that agencies or organization's participation in incident management activities following appropriate consultation with the leadership of that agency.

نماینده آژانس: شخصی که توسط یک موجودیت خصوصی، یا آژانس دولتی محلی، یا قبیله‌ای، منطقه‌ای، ایالتی، یا فدرال کمک‌کننده، همکار یا اصلی منصوب شده است که به او اختیاراتی تفویض شده تا تصمیماتی را که بر مشارکت آن آژانس یا سازمان در فعالیت‌های مدیریت حادثه تأثیر می‌گذارد، پس از مشورت مقتضی با مدیریت آن آژانس، اتخاذ کند.

Agency: A division of government with a specific function offering a particular kind of assistance. In the Incident Command System (ICS), agencies are defined either as jurisdictional (having statutory responsibility for incident management) or as assisting or cooperating (providing resources or other assistance).

آژانس: یک بخش دولتی با کارکردی خاص که نوع خاصی از کمک را ارائه می‌دهد. در «سیستم فرماندهی حادثه» (ICS)، آژانس‌ها یا به‌عنوان صلاحیت‌دار (دارای مسئولیت قانونی برای مدیریت حادثه) یا به‌عنوان کمک‌کننده یا همکار (تأمین منابع یا سایر کمک‌ها) تعریف می‌شوند.

Alert: A communication intended to attract attention and warn of a danger or threat.

اخطار: ارتباطی که برای جلب توجه و هشدار نسبت به یک خطر یا تهدید در نظر گرفته شده است.

Alerting Authority: Public officials that are granted the authority to alert the public of emergency situations through Federal, State, and local laws. These are designated in a local Federal Communication Commission (FCC) Emergency Alert System (EAS) plan, and within a signed Federal Emergency Management Agency (FEMA) Memorandum of Understanding (MOU).

مرجع اخطار دهنده: مقامات دولتی که به واسطه قوانین فدرال، ایالتی و محلی این اختیار را دارند که به مردم در مورد موقعیت‌های اضطراری هشدار دهند. این مقامات در یک طرح «سیستم اخطار اضطراری» (EAS) «کمیسیون ارتباطات فدرال» (FCC) محلی، و در یک «تفاهم‌نامه» (MOU) «آژانس مدیریت اضطراری فدرال» (FEMA) تعیین شده‌اند.

Alerting Originator: Alerting Originators are designated individuals who have been designated the authority and have the training to draft and distribute the alert and warning message through the approved notification systems.

صادرکننده اخطار: صادرکننده اخطار فرد تعیین‌شده‌ای است که توسط مرجع برگزیده شده و برای تهیه و توزیع پیام اخطار و هشدار از طریق سیستم‌های اطلاع‌رسانی تایید شده آموزش دیده است.

Alert Origination Tool: Alert origination tools are software products used by emergency managers, public safety officials, and other alerting authorities to create and send critical lifesaving messages to the public or to other emergency management officials for collaboration.

ابزار صدور اخطار: ابزارهای صدور اخطار محصولات نرم‌افزاری هستند که توسط مدیران اورژانس، مقامات ایمنی عمومی و سایر مقامات اخطاردهنده برای ایجاد و ارسال پیام‌های نجات‌دهنده حیاتی به مردم یا سایر مقامات مدیریت اضطراری برای همکاری استفاده می‌شوند.

AMBER Alert: The **AMBER Alert Program** is a voluntary partnership between law-enforcement agencies, broadcasters, transportation agencies, and the wireless industry, to activate an urgent bulletin in the most serious child-abduction cases. AMBER alerts are one of the three categories of Wireless Emergency Alerts (WEA).

اخطار کهربایی (AMBER): برنامه اخطار کهربایی (AMBER) یک مشارکت داوطلبانه بین آژانس‌های مجری قانون، پخش‌کننده‌ها، آژانس‌های حمل و نقل و صنعت بی‌سیم است تا یک بولتن اضطراری را در جدی‌ترین موارد کودک‌ربایی فعال کند. اخطارهای کهربایی (AMBER) یکی از سه دسته «اخطارهای اضطراری بی‌سیم» (WEA) هستند.

American Red Cross: The American Red Cross, a humanitarian organization led by volunteers and guided by its Congressional Charter and the Fundamental Principles of the International Red Cross Movement, will provide relief to victims of disaster and help people prevent, prepare for, and respond to emergencies.

صلیب سرخ آمریکا: صلیب سرخ آمریکا، یک سازمان بشردوستانه به رهبری داوطلبان و با هدایت منشور کنگره و اصول بنیادین جنبش بین‌المللی صلیب سرخ، به قربانیان فاجعه امداد می‌رساند و به مردم کمک می‌کند تا از شرایط اضطراری جلوگیری کنند، برای آن آماده شوند و به این شرایط پاسخ دهند.

Authority: The power or right to give orders and/or to make decisions. Authority may be delegated from one entity to another.

اختیار: قدرت یا حق دستور دادن و/یا تصمیم‌گیری. اختیار ممکن است از یک نهاد به نهاد دیگر تفویض شود.

Civil Danger Warning (CDW): A warning of an event that presents a danger to a significant civilian population. The CDW, which usually warns of a specific hazard and gives specific protective action, has a higher priority than the Local Area Emergency (LAE) (e.g. contaminated water supply, terrorist attack). Public protective actions could include evacuation, shelter in place, or other actions (such as boiling contaminated water or seeking medical treatment).

هشدار خطر غیرنظامی (CDW): هشدار در مورد رویدادی که برای جمعیت غیرنظامی قابل‌توجهی خطر ایجاد می‌کند. «هشدار خطر غیرنظامی» (CDW) که معمولاً در مورد یک خطر خاص هشدار می‌دهد و اقدامات حفاظتی خاصی ارائه می‌کند، اولویت بالاتری نسبت به «وضع اضطراری منطقه محلی» (LAE) دارد (به‌عنوان مثال منبع آب آلوده، حمله تروریستی). اقدامات حفاظتی عمومی می‌تواند شامل

تخلیه، پناه گرفتن در محل یا سایر اقدامات باشد (مانند جوشاندن آب آلوده یا طلب درمان پزشکی).

Civil Emergency Message (CEM): An emergency message regarding an in-progress or imminent significant threat(s) to public safety and/or property. The CEM is a higher priority message than the Local Area Emergency (LAE), but the hazard is less specific than the Civil Danger Warning (CDW).

پیام اضطراری غیرنظامی (CEM): یک پیام اضطراری در مورد تهدید(های) مهم در جریان یا قریب‌الوقوع برای امنیت عمومی و/یا دارایی. «پیام اضطراری غیرنظامی» (CEM) پیامی با اولویت بالاتر از «وضع اضطراری منطقه محلی» (LAE) است، اما خطر به اندازه «هشدار خطر غیرنظامی» (CDW) مشخص نیست.

Common Terminology: Normally used words and phrases—avoiding the use of different words/phrases for same concepts—to ensure consistency and to allow diverse incident management and support organizations to work together across a wide variety of incident management functions and hazard scenarios.

اصطلاحات رایج: کلمات و عباراتی که به‌طور معمول استفاده می‌شود - برای اجتناب از کاربرد کلمات/عبارات مختلف برای مفاهیم یکسان - به‌منظور اطمینان از انسجام و اجازه دادن به مدیریت حوادث مختلف و پشتیبانی از سازمان‌ها برای همکاری در طیف گسترده‌ای از عملکردهای مدیریت حادثه و سناریوهای خطر.

Communications/Dispatch Center: Agency or interagency dispatch centers, 911 call centers, emergency control or command dispatch centers, or any naming convention given to the facility and staff that handles emergency calls from the public and communication with emergency management/response personnel.

مرکز ارتباطات/ اعزام: مراکز اعزام آژانس یا بین‌سازمانی، مراکز تماس 911، مراکز اعزام فرمان یا کنترل اضطراری، یا هرگونه قرارداد نامگذاری که به تأسیسات و کارکنان مدیریت تماس‌های اضطراری مردم و ارتباط با پرسنل مدیریت/پاسخگویی اضطراری داده شده است.

Complex Fire: Two or more individual incidents located in the same general area which are assigned to a single incident commander or unified command.

آتش‌سوزی پیچیده: دو یا چند حادثه انفرادی واقع در یک منطقه عمومی، که به یک فرمانده حادثه یا فرماندهی واحد اختصاص داده شده است.

Cooling Center(s): Facilities that are made available by public, private, and volunteer organizations as a heat relief station. There is no agreement that these facilities will be exempt from power outages.

مرکز/مراکز خنک‌کننده: تأسیساتی که توسط سازمان‌های دولتی، خصوصی و داوطلبانه به‌عنوان ایستگاه امداد گرما در دسترس قرار گرفته است. هیچ توافقی مبنی بر معافیت این تأسیسات از قطع برق وجود ندارد.

Disaster: The occurrence or imminent threat of widespread or severe damage, injury, or loss of life or property, or significant adverse impact on the environment, resulting from any natural or technological hazards, or a terrorist act, including but not limited to fire, flood, earthquake, wind, storm, hazardous substance incident, water contamination requiring emergency action to avert danger or damage, epidemic, air contamination, blight, drought, infestation, explosion, civil disturbance, or hostile military or paramilitary action.

فاجعه: وقوع یا تهدید قریب‌الوقوع خسارت گسترده یا شدید، جراحت، یا تلفات جانی یا مالی، یا تأثیر نامطلوب قابل‌توجه بر محیط زیست، ناشی از هرگونه خطر طبیعی یا تکنولوژیکی، یا یک اقدام تروریستی، از جمله اما نه محدود به آتش‌سوزی، سیل، زلزله، باد، طوفان، حوادث ناشی از مواد خطرناک، آلودگی آب که نیاز به اقدامات اضطراری برای دفع خطر یا آسیب دارد، بیماری همه‌گیر، آلودگی هوا، آفت‌زدگی، خشکسالی، هجوم حشرات، انفجار، ناآرامی مدنی، یا اقدام نظامی یا شبه‌نظامی خصمانه.

Emergency: A suddenly occurring and often unforeseen situation which is determined by the Governor to

require state response or mitigation actions to immediately supplement local government in protecting lives and property, to provide for public health and safety, or to avert or lessen the threat of a disaster. Local government's adaptation of this definition connotes an event that threatens or actually does inflict damage to people or property, exceeds the daily routine type of response, and still can be dealt with using local internal and mutual aid resources.

اضطراری: وضعیتی با وقوع ناگهانی و غالباً پیش‌بینی‌نشده که توسط فرماندار تعیین می‌شود تا خواستار واکنش دولت یا اقدامات کاهش‌دهنده شود و فوراً اقدامات دولت محلی را در محافظت از جان و مال، تأمین سلامت و ایمنی عمومی، یا جلوگیری یا کاهش خطر یک فاجعه تکمیل کند. اقتباس دولت محلی از این تعریف به رویدادی اشاره می‌کند که مردم یا اموال را تهدید می‌کند یا واقعاً به مردم یا اموال آسیب وارد می‌کند، از نوع واکنش روزمره فراتر می‌رود و هنوز هم می‌توان با استفاده از منابع کمکی متقابل و داخلی محلی با آن مقابله کرد.

Emergency Assistance: Assistance which may be made available under an emergency declaration. In general, Federal support to State and local efforts to save lives, protect property and public health and safety, and lessen or avert the threat of a catastrophe.

کمک اضطراری: کمکی که ممکن است تحت یک اعلان اضطراری در دسترس باشد. به‌طور کلی، حمایت فدرال از تلاش‌های ایالتی و محلی برای نجات جان افراد، حفاظت از اموال و سلامت عمومی و ایمنی، و کاهش یا دفع خطر یک فاجعه.

Emergency Operations Center (EOC): The physical location at which the coordination of information and resources to support incident management (on-scene operations) activities normally takes place. An EOC may be a temporary facility or may be located in a more central or permanently established facility, perhaps at a higher level of organization within a jurisdiction. EOCs may be organized by major functional disciplines (e.g., fire, law enforcement, medical services), by jurisdiction (e.g., Federal, State, regional, tribal, city, county), or some combination thereof.

مرکز عملیات اضطراری (EOC): مکان فیزیکی که هماهنگی اطلاعات و منابع برای پشتیبانی از فعالیت‌های مدیریت حادثه (عملیات در صحنه) به‌طور معمول در آنجا انجام می‌شود. یک «مرکز عملیات اضطراری» (EOC) ممکن است یک ساختمان موقت باشد یا ممکن است در یک ساختمان مرکزی یا دائمی‌تر، شاید در سطح بالاتری از سازمان در یک حوزه اختیارات واقع شده باشد. «مراکز عملیات اضطراری» (EOC) ممکن است توسط رشته‌های کاربردی اصلی (مانند آتش‌نشانی، اجرای قانون، خدمات پزشکی)، بر اساس حوزه اختیارات (به‌عنوان مثال، فدرال، ایالتی، منطقه‌ای، قبیله‌ای، شهری، شهرستانی) یا ترکیبی از آنها سازماندهی شوند.

Exercise: An exercise is an instrument to train for, assess, practice, and improve performance in prevention, protection, mitigation, response, and recovery capabilities in a risk-free environment. Exercises can be used for testing and validating policies, plans, procedures, training, equipment, and interagency agreements; clarifying and training personnel in roles and responsibilities; improving interagency coordination and communications; improving individual performance; identifying gaps in resources; and identifying opportunities for improvement.

تمرین: تمرین ابزاری برای آموزش، ارزیابی، ممارست و بهبود عملکرد در پیشگیری، محافظت، کاهش، واکنش و قابلیت‌های بازیابی در محیطی بدون خطر است. تمرین‌ها را می‌توان برای آزمایش و اعتبارسنجی خط‌مشی‌ها، طرح‌ها، رویه‌ها، آموزش، تجهیزات و توافقات بین‌سازمانی؛ توجیه و آموزش پرسنل در نقش‌ها و مسئولیت‌ها؛ بهبود هماهنگی و ارتباطات بین‌سازمانی؛ بهبود عملکرد فردی؛ شناسایی شکاف‌ها در منابع؛ و شناسایی فرصت‌ها برای بهبود به کار برد.

Evacuation – The action of evacuating a person or a place.

تخلیه - عمل بیرون بردن یک شخص یا تخلیه یک مکان.

Freeze: A freeze is when the surface air temperature is expected to be 32°F or below over a widespread area for a climatologically significant period of time.

یخ‌زدگی: یخ‌زدگی یعنی زمانی که انتظار می‌رود دمای هوای سطحی در یک منطقه گسترده برای یک دوره زمانی قابل توجه از نظر اقلیمی 32 درجه فارنهایت یا کمتر باشد.

First Responders: Refers to individuals who in the early stages of an incident are responsible for the protection and preservation of life, property, evidence, and the environment, including emergency response providers as defined in Section 2 of the Homeland Security Act of 2002 (6 U.S.C. 101). It includes emergency management, public health, clinical care, public works, and other skilled support personnel (e.g., equipment operators) who provide immediate support services during prevention, response, and recovery operations.

اولین پاسخ‌دهندگان: به افرادی اطلاق می‌شود که در مراحل اولیه یک حادثه مسئول محافظت و حفظ جان افراد، اموال، شواهد و محیط زیست هستند، از جمله تأمین‌کنندگان پاسخ اضطراری همانطور که در بخش 2 قانون امنیت داخلی سال 2002 (6 U.S.C. 101) تعریف شده است. این شامل مدیریت اضطراری، بهداشت عمومی، مراقبت‌های بالینی، کارهای عمومی، و سایر پرسنل پشتیبانی ماهر (به‌عنوان مثال، اپراتورهای تجهیزات) است که خدمات پشتیبانی فوری را در طول عملیات پیشگیری، واکنش و بهبودی ارائه می‌دهند.

Flood: An overflowing of a large amount of water beyond its normal confines, especially over what is normally dry land.

سیل: سرریز شدن مقدار زیادی آب فراتر از محدوده طبیعی خود، به ویژه در جایی که معمولاً زمین خشک است.

Hazard: Something that is potentially dangerous or harmful, often the root cause of an unwanted outcome.

خطر: چیزی که به‌طور بالقوه خطرناک یا مضر است، و اغلب علت اصلی یک نتیجه ناخواسته است.

Hazard Probability: The estimated likelihood that a hazard will occur in a particular area.

احتمال خطر: احتمال تخمینی وقوع خطر در یک منطقه خاص.

Hazard Risk: A quantitative product of the probability of a hazard occurring and the projected consequence of the impact.

ریسک خطر: یک محصول کمی از احتمال وقوع یک خطر و پیامد پیش‌بینی‌شده آن اثر.

Hurricane: A storm with a violent wind; a wind of force 12 on the Beaufort scale (equal to or exceeding 64 knots or 74 miles per hour)

تندباد: طوفانی با باد شدید؛ بادی با قدرت 12 در مقیاس بوفرت (معادل یا بیشتر از 64 گره یا 74 مایل در ساعت)

Imminent Threat Alert: "Imminent Threat" is one of the three categories of Wireless Emergency Alerts.

Imminent Threat alerts must meet specific criteria for urgency, severity and certainty.

اخطار تهدید قریب‌الوقوع: «تهدید قریب‌الوقوع» یکی از سه دسته اخطار اضطراری بی‌سیم است. اخطارهای تهدید قریب‌الوقوع باید معیارهای خاصی را برای فوریت، شدت و قطعیت داشته باشند.

Incident Command System (ICS): A standardized on-scene emergency management construct specifically designed to provide for the adoption of an integrated organizational structure that reflects the complexity and demands of single or multiple incidents, without being hindered by jurisdictional boundaries. ICS is the combination of facilities, equipment, personnel, procedures, and communications operating within a common organizational structure, designed to aid in the management of resources during incidents. It is used for all kinds of emergencies and is applicable to small as well as large and complex incidents. ICS is used by various jurisdictions and functional agencies, both public and private, to organize field-level incident management operations.

سیستم فرماندهی حادثه (ICS): یک ساختار استاندارد مدیریت اضطراری در صحنه که به‌طور ویژه برای انتخاب یک ساختار سازمانی یکپارچه طراحی شده است که منعکس‌کننده پیچیدگی و نیازهای یک یا چند حادثه است، بدون اینکه حوزه‌های اختیارات مانع آن باشد. «سیستم فرماندهی حادثه» (ICS) ترکیبی از امکانات، تجهیزات، پرسنل، رویه‌ها و ارتباطات است که در یک ساختار سازمانی مشترک عمل می‌کنند و برای کمک به مدیریت منابع در حین حوادث طراحی شده‌اند. این سیستم برای همه انواع شرایط اضطراری استفاده می‌شود و برای حوادث کوچک و همچنین بزرگ و پیچیده قابل استفاده است. «سیستم فرماندهی حادثه» (ICS) توسط آژانس‌های فعال و

حوزه‌های اختیارات مختلف، اعم از دولتی و خصوصی، برای سازماندهی عملیات مدیریت حادثه در سطح میدانی استفاده می‌شود.

Integrated Public Alert and Warning System (IPAWS): In the event of a national emergency, the President will be able to use IPAWS to send a message to the American people quickly and simultaneously through multiple communications pathways. IPAWS is available to United States Federal, State, local, territorial and tribal government officials as a way to alert the public via the Emergency Alert System, Wireless Emergency Alerts (WEA), NOAA Weather Radio and other National Weather Service dissemination channels, the internet, existing unique warning systems, and emerging distribution technologies.

سیستم یکپارچه اخطار و هشدار عمومی (IPAWS): در صورت بروز یک وضعیت اضطراری در سرتاسر کشور، رئیس‌جمهور قادر خواهد بود از «سیستم یکپارچه اخطار و هشدار عمومی» (IPAWS) برای ارسال پیام به مردم آمریکا به سرعت و به‌طور همزمان از طریق چندین مسیر ارتباطی استفاده کند. «سیستم یکپارچه اخطار و هشدار عمومی» (IPAWS) برای مقامات دولتی فدرال، ایالتی، محلی، منطقه‌ای و قبیله‌ای ایالات متحده به‌عنوان راهی برای اخطار دادن به مردم از طریق سیستم اخطار اضطراری، «هشدارهای اضطراری پی‌سیم» (WEA)، «رادیوی هواشناسی اداره ملی اقیانوسی و جوی» (NOAA) و سایر کانال‌های انتشار «خدمات ملی آب و هوا»، اینترنت، سیستم‌های هشدار پی‌همتای موجود، و فناوری‌های توزیع نوظهور در دسترس است.

Jurisdiction: A range or sphere of authority. Public agencies have jurisdiction at an incident related to their legal responsibilities and authority for incident mitigation.

Jurisdictional authority at an incident can be political or geographical (e.g., city, county, state or federal boundary lines) or functional (e.g., police department, health department).

حوزه اختیارات: محدوده یا حوزه قدرت. آژانس‌های دولتی صلاحیت رسیدگی به یک حادثه مرتبط با مسئولیت‌های قانونی و اختیارات خود را برای کاهش حادثه دارند.

حوزه اختیار در هر حادثه می‌تواند سیاسی یا جغرافیایی باشد (به‌عنوان مثال، شهر، شهرستان، خطوط مرزی ایالتی یا فدرال) یا عملکردی (به‌عنوان مثال، اداره پلیس، اداره بهداشت).

Jurisdictional Agency: The agency having jurisdiction and responsibility for a specific geographical area, or a mandated function.

آژانس دارای اختیار: آژانسی که صلاحیت و مسئولیت یک منطقه جغرافیایی خاص یا یک وظیفه تحت کنترل را دارد.

Law Enforcement Warning (LEW): A warning of a bomb explosion, riot, or other criminal event (e.g. a jailbreak). An authorized law enforcement agency may blockade roads, waterways, or facilities, evacuate or deny access to affected areas, and arrest violators or suspicious persons.

هشدار اجرای قانون (LEW): هشدار انفجار بمب، شورش، یا سایر رویدادهای جنایی (مثلاً فرار از زندان). یک سازمان مجاز مجری قانون می‌تواند جاده‌ها، آبراه‌ها یا تأسیسات را مسدود کند، مناطق آسیب‌دیده را تخلیه یا دسترسی به آن را ممنوع کند، و متخلفان یا افراد مشکوک را بازداشت کند.

Local Area Emergency (LAE): An emergency message that defines an event that, by itself, does not pose a significant threat to public safety and/or property. However, the event could escalate, contribute to other more serious events, or disrupt critical public safety services. Instructions, other than public protective actions, may be provided by authorized officials. Examples include a disruption in water, electric or natural gas service, or a potential terrorist threat where the public is asked to remain alert.

وضع اضطراری منطقه محلی (LAE): یک پیام اضطراری که رویدادی را تعریف می‌کند که به خودی خود تهدید قابل‌توجهی برای امنیت عمومی و/یا اموال ایجاد نمی‌کند. با این حال، این رویداد ممکن است تشدید شود، به رویدادهای جدی‌تر دیگری کمک کند، یا خدمات مهم ایمنی عمومی را مختل کند. دستورالعمل‌ها، به غیر از اقدامات حفاظتی عمومی، ممکن است توسط مقامات مجاز ارائه شود. به‌عنوان مثال می‌توان به اختلال در خدمات آب‌رسانی، برق‌رسانی یا گاز طبیعی یا یک تهدید تروریستی بالقوه اشاره کرد که در آن از مردم خواسته می‌شود هشیار باشند.

Local Government: Public entities responsible for the security and welfare of a designated area as established by law. A county, municipality, city, town, township, local public authority, special district, intrastate district, council of governments (regardless of whether the council of governments is incorporated as a nonprofit corporation under State law), regional or interstate government entity, or agency or instrumentality of a local government; an Indian tribe or authorized tribal entity, or in Alaska a Native village or Alaska Regional Native Corporation; a rural community, unincorporated town or village, or other public entity.

دولت محلی: نهادهای عمومی که به موجب قانون مسئول امنیت و رفاه یک منطقه تعیین شده هستند. یک مقام عمومی محلی، شهرستان، شهرداری، شهر، بخش، منطقه ویژه، منطقه بین ایالتی، شورای دولت‌ها (بدون توجه به اینکه شورای دولت‌ها به عنوان یک شرکت غیرانتفاعی تحت قوانین ایالتی ثبت شده است یا خیر)، نهاد دولتی منطقه‌ای یا بین ایالتی، یا نمایندگی یا واسطه یک دولت محلی؛ یک قبیله سرخپوست یا یک نهاد قبیله‌ای مجاز، یا در آلاسکا یک روستای بومی یا شرکت بومی منطقه‌ای آلاسکا؛ یک جامعه روستایی، شهر یا روستای ثبت نشده، یا سایر نهادهای عمومی.

Major Disaster: As defined under the Robert T. Stafford Disaster Relief and Emergency Assistance Act (42 U.S.C. 5122), a major disaster is any natural catastrophe (including any hurricane, tornado, storm, high water, wind-driven water, tidal wave, tsunami, earthquake, volcanic eruption, landslide, mudslide, snowstorm, or drought), or, regardless of cause, any fire, flood, or explosion, in any part of the United States, which in the determination of the President causes damage of sufficient severity and magnitude to warrant major disaster assistance under this Act to supplement the efforts and available resources of States, tribes, local governments, and disaster relief organizations in alleviating the damage, loss, hardship, or suffering caused thereby.

فاجعه بزرگ: همانطور که در «قانون رابرت تی استفورد برای کمک‌های اضطراری و امدادسانی حین فاجعه» (42 U.S.C. 5122) تعریف شده است، یک فاجعه بزرگ هر بلای طبیعی است (شامل هر نوع تندباد، گردباد، طوفان، مد دریا، آب بادآورده، موج جزر و مدی، سونامی، زلزله، فوران آتشفشانی، رانش زمین، گل‌رود، طوفان برف یا خشکسالی) یا بدون توجه به علت، هرگونه آتش‌سوزی، سیل یا انفجار در هر نقطه از ایالات متحده که به تشخیص رئیس‌جمهور باعث خسارت با شدت و بزرگی کافی شود که کمک‌های بزرگ را در سوانح طبق این قانون برای تکمیل تلاش‌ها و منابع موجود ایالت‌ها، قبایل، دولت‌های محلی و سازمان‌های امداد در بلایای طبیعی برای کاهش خسارت، تلفات، سختی‌ها یا رنج ناشی از آن توجیه کند.

Major Disaster Declaration (Federal): A declaration by the President of the United States based upon criteria and authority described in the Robert T. Stafford Disaster Relief and Emergency Assistance Act, as amended. The Presidential declaration of a major disaster is warranted when a hazard impact “causes damage of sufficient severity and magnitude to warrant Federal disaster assistance to supplement the efforts and available resources of States, local governments, and the disaster relief organizations in alleviating the damage, loss, hardship, or suffering.” Funding comes from the President's Disaster Relief Fund, which is managed by FEMA, and the disaster aid programs of other participating Federal departments and agencies. A Presidential major disaster declaration triggers long-term Federal recovery programs, some of which are matched by State programs, and designed to help disaster victims, businesses, and public entities.

اعلان فاجعه بزرگ (فدرال): اعلانی توسط رئیس‌جمهور ایالات متحده بر اساس معیارها و اختیارات شرح داده شده در «قانون رابرت تی استفورد برای کمک‌های اضطراری و امدادسانی حین فاجعه»، همانگونه که اصلاح شده است. اعلان رئیس‌جمهور در مورد یک فاجعه بزرگ زمانی موجه می‌شود که تأثیر یک خطر «باعث آسیبی با شدت و بزرگی کافی شود تا کمک‌های فدرال در سوانح را برای تکمیل تلاش‌ها و منابع موجود ایالت‌ها، دولت‌های محلی و سازمان‌های امدادی سوانح در کاهش آسیب‌ها، تلفات، سختی‌ها یا رنج‌ها توجیه کند.» بودجه از صندوق امداد سوانح رئیس‌جمهور تأمین می‌شود، که توسط «آژانس مدیریت اضطراری فدرال» FEMA، و برنامه‌های کمک‌رسانی در سوانح سایر ادارات و آژانس‌های فدرال مشارکت‌کننده مدیریت می‌شود. اعلان فاجعه بزرگ توسط ریاست‌جمهوری باعث ایجاد برنامه‌های بلندمدت بازبانی فدرال می‌شود که برخی از آنها با برنامه‌های ایالتی مطابقت دارند، و برای کمک به قربانیان سوانح، مشاغل و نهادهای عمومی طراحی شده‌اند.

Memorandum of Understanding (MOU): An agreement document between two or more parties outlined

in a formal document. It is not legally binding but signals the willingness of the parties to move forward with a contract laying out the guidelines under which each party will operate.

یادداشت تفاهم (MOU): یک سند توافق بین دو یا چند طرف که در یک سند رسمی خلاصه شده است. این سند از نظر قانونی الزام آور نیست، اما نشان دهنده تمایل طرفین برای پیشبرد قراردادی است که دستورالعمل‌هایی را ارائه می‌دهد که هر یک از طرفین طبق آن عمل خواهند نمود.

Mitigation: The capabilities necessary to reduce loss of life and property by lessening the impact of disasters.
کاهش: قابلیت‌های لازم برای کاهش تلفات جانی و مالی از طریق کاهش اثرات سوانح.

Mutual-Aid Agreement: Written agreement between agencies and/or jurisdictions that they will assist one another upon request, by furnishing personnel, equipment, and/or expertise in a specified manner.
قرارداد کمک متقابل: توافق‌نامه کتبی بین آژانس‌ها و/یا حوزه‌های صاحب اختیار مبنی بر اینکه در صورت درخواست با تأمین نیرو، تجهیزات و/یا دانش فنی به شیوه‌ای مشخص به یکدیگر کمک خواهند کرد.

National Warning System (NAWAS): A communication system of the federal government which provides warning to the population of an attack or other national emergency.
Reception is at local and state warning points.
سیستم هشدار ملی (NAWAS): سیستم ارتباطی دولت فدرال که به مردم در مورد حمله یا سایر وضعیت‌های اضطراری در سطح کشور هشدار می‌دهد.
پذیرش آن در نقاط هشدار محلی و ایالتی است.

National Weather Services (NWS): Federal government agencies charged with weather related reporting and projections.
خدمات هواشناسی ملی (NWS): آژانس‌های دولت فدرال که مسئول گزارش‌ها و پیش‌بینی‌های مربوط به آب و هوا هستند.

NOAA Weather Radio: "The voice of the National Weather Service" - NOAA Weather Radio broadcasts National Weather Service warnings, watches, forecasts and other hazard information 24 hours a day. It is provided as a public service by NOAA. The NOAA Weather Radio network has more than 480 stations in the 50 states and near adjacent coastal waters, Puerto Rico, the U.S. Virgin Islands and U.S. Pacific Territories.
رادیوی هواشناسی اداره ملی اقیانوسی و جوی (NOAA): «صدای خدمات ملی هواشناسی» - «رادیوی هواشناسی اداره ملی اقیانوسی و جوی» (NOAA) هشدارهای خدمات ملی هواشناسی، مشاهدات، پیش‌بینی‌ها و سایر اطلاعات خطرات را 24 ساعت شبانه روز پخش می‌کند. این به‌عنوان یک سرویس عمومی توسط «اداره ملی اقیانوسی و جوی» NOAA ارائه می‌شود. «شبکه رادیوی هواشناسی اداره ملی اقیانوسی و جوی» (NOAA) در 50 ایالت و نزدیک آب‌های ساحلی مجاور، پورتوریکو، جزایر ویرجین ایالات متحده و سرزمین‌های اقیانوس آرام ایالات متحده بیش از 480 ایستگاه دارد.

NOAA Radio's Specific Area Message Encoding (SAME): provides in a digital format specific, timely information on the nature and location of a threat to the safety of those most immediately at risk from severe weather or other hazards. Its greatest value is to significantly improve the automatic selection and distribution of messages about events that threaten people and/or property.
رمزگذاری پیام منطقه خاص رادیو (SAME) اداره ملی اقیانوسی و جوی NOAA: اطلاعات به‌موقع و خاص را در قالب دیجیتال در مورد ماهیت و محل یک تهدید برای ایمنی افرادی که مستقیماً در معرض خطر آب و هوای نامساعد یا سایر خطرات قرار دارند ارائه می‌دهد. ارزشمندترین جنبه آن بهبود چشمگیر انتخاب و توزیع خودکار پیام‌ها در مورد رویدادهایی است که افراد و/یا اموال را تهدید می‌کنند.

Non-Weather Emergency Message (NWEM): NWEM refers to emergency messages for the public about hazardous events that are originated by government organizations other than the National Weather

Service, but still utilize NWS alert dissemination services.

پیام اضطراری غیر هواشناسی (NWEM): «پیام اضطراری غیر هواشناسی» (NWEM) به پیام‌های اضطراری برای عموم در مورد رویدادهای خطرناکی اشاره دارد که توسط سازمان‌های دولتی غیر از خدمات هواشناسی ملی ایجاد شده‌اند، اما همچنان از خدمات پخش هشدار «خدمات هواشناسی ملی» (NWS) استفاده می‌کنند.

Operational Area: the county and its sub-divisions with responsibility to manage and/or coordinate information, resources, and priorities among local governments and serve as the link between the local government level and the regional level.

منطقه عملیاتی: شهرستان و زیرمجموعه‌های آن با مسئولیت مدیریت و/یا هماهنگی اطلاعات، منابع، و اولویت‌ها در بین دولت‌های محلی، و به‌عنوان رابط بین سطح دولت محلی و سطح منطقه‌ای عمل می‌کند.

Planned Event: A scheduled nonemergency activity (e.g., sporting event, concert, parade, etc.).

رویداد برنامه‌ریزی‌شده: یک فعالیت غیر اضطراری برنامه‌ریزی‌شده (مانند رویداد ورزشی، کنسرت، رژه و غیره).

Point of Dispensing (POD): A designated area to distribute medications and vaccinations and provide risk communication and public information during a public health emergency. A Point of Dispensing may be a “closed” POD operated by a hospital to distribute medications to their patients and staff or an “open” POD used to distribute medications to the general public. A Point of Dispensing may also be a centralized location where the public obtains life-sustaining commodities following a disaster, including shelf stable food and water.

نقطه پخش (POD): منطقه‌ای تعیین شده برای توزیع داروها و واکسیناسیون‌ها و ارائه ارتباطات مربوط به خطر و اطلاعات عمومی در طول یک وضعیت اضطراری بهداشت عمومی. یک نقطه پخش ممکن است یک نقطه پخش (POD) «بسته شده» باشد که توسط یک بیمارستان برای توزیع داروها بین بیماران و کارکنان خود اداره می‌شود یا یک نقطه پخش (POD) «باز» که برای توزیع داروها به عموم مردم استفاده می‌شود. یک نقطه پخش می‌تواند یک مکان متمرکز هم باشد که پس از یک فاجعه مردم در آنجا کالاهای حیاتی از جمله غذاهای قابل نگهداری و آب را دریافت می‌کنند.

Point of Distribution (POD): A designated area to distribute medications and vaccinations and provide risk communication and public information during a public health emergency. A Point of Distribution may also be a centralized location where the public obtains life- sustaining commodities following a disaster, including shelf stable food and water.

نقطه توزیع (POD): منطقه‌ای تعیین شده برای توزیع داروها و واکسیناسیون‌ها و ارائه ارتباطات مربوط به خطر و اطلاعات عمومی در طول یک وضعیت اضطراری بهداشت عمومی. یک نقطه توزیع می‌تواند یک مکان متمرکز هم باشد که پس از یک فاجعه مردم در آنجا کالاهای حیاتی از جمله غذاهای قابل نگهداری و آب را دریافت می‌کنند.

Presidential Alert: A Presidential Alert is one of the three categories of Wireless Emergency Alert (WEA) messages that is reserved for use of the President of the United States in the event of a national emergency.

هشدار ریاست جمهوری: هشدار ریاست جمهوری یکی از سه دسته پیام‌های «هشدار اضطراری بی‌سیم» (WEA) است که منحصراً برای استفاده رئیس جمهور ایالات متحده در مواقع اضطراری ملی در نظر گرفته شده است.

Public Information: Processes, procedures, and systems for communicating timely, accurate, accessible information on the incident's cause, size, and current situation; resources committed; and other matters of general interest to the public, responders, and additional stakeholders (both directly affected and indirectly affected).

اطلاعات همگانی: فرآیندها، رویه‌ها و سیستم‌هایی برای ارسال به موقع و دقیق اطلاعات قابل فهم، در مورد علت، اندازه و وضعیت فعلی حادثه؛ منابع اعزام شده، و سایر موضوعات مورد علاقه عمومی برای عموم، پاسخ‌دهندگان، و سایر علاقه‌مندان (کسانی که به‌طور مستقیم و غیرمستقیم تحت تأثیر قرار گرفته‌اند).

Public Safety Power Shutoff (PSPS): A preventative measure of last resort if an electric utility reasonably believes that there is an imminent and significant risk that strong winds may topple power lines or cause major vegetation-related issues leading to increased risk of fire.

قطع برق ایمنی عمومی (PSPS): یک اقدام پیشگیرانه به‌عنوان آخرین راه حل در صورتی که یک شرکت برق به‌طور منطقی معتقد باشد که خطر قریب‌الوقوع و قابل‌توجهی وجود دارد که بادهای شدید ممکن است خطوط برق را واژگون کند یا باعث مشکلات عمده مربوط به پوشش گیاهی شود که منجر به افزایش خطر آتش‌سوزی می‌شود.

Situational Awareness: Is the ability to identify, process, and comprehend the essential information about an incident to inform the decision making process in a continuous and timely cycle and includes the ability to interpret and act upon this information.

آگاهی از موقعیت: توانایی شناسایی، پردازش و درک اطلاعات ضروری در مورد یک حادثه برای اطلاع‌رسانی به فرآیند تصمیم‌گیری در یک چرخه مداوم و به موقع است و شامل توانایی تفسیر و عمل بر اساس این اطلاعات می‌شود.

Shelter in place: Take immediate shelter where you are—at home, work, school, or wherever you can take protective cover. It may also mean "seal the room"; in other words, take steps to prevent outside air from coming in.

پناه گرفتن در محل: پناه گرفتن فوری در هر جایی که هستید - در خانه، محل کار، مدرسه یا هر جایی که می‌توانید پوشش محافظ داشته باشید. می‌تواند به معنای «مهر و موم کردن اتاق» هم باشد؛ به عبارت دیگر، انجام اقداماتی برای جلوگیری از ورود هوای بیرون به داخل.

Severe Weather Potential Statement: This statement is designed to alert the public and state/local agencies to the potential for severe weather up to 24 hours in advance. It is issued by the local National Weather Service office. This could be used to make citizens aware of non-weather situation.

بیانیه احتمال آب و هوای نامساعد: این بیانیه برای هشدار به عموم و آژانس‌های ایالتی/محلی در مورد احتمال آب و هوای نامساعد تا 24 ساعت قبل طراحی شده است. این بیانیه توسط «دفتر ملی خدمات هواشناسی» محلی صادر می‌شود. این بیانیه می‌تواند برای آگاه‌سازی شهروندان از وضعیت غیر آب و هوایی استفاده شود.

Severe Weather Statement: A National Weather Service product which provides follow up information on severe conditions which have occurred or are currently occurring. Could use a Statement for evacuation or shelter-in-place updates.

بیانیه آب و هوای نامساعد: یک محصول «خدمات ملی هواشناسی» که اطلاعات تکمیلی را در مورد شرایط نامساعدی که رخ داده یا در حال وقوع است ارائه می‌دهد. ممکن است از یک «بیانیه» برای آخرین اخبار مربوط به تخلیه یا پناه گرفتن در محل استفاده کند.

Threat: Natural or manmade occurrence, individual, entity, or action that has or indicates the potential to harm life, information, operations, the environment, and/or property.

تهدید: رویداد طبیعی یا ساخته‌شده توسط انسان، فرد، نهاد یا اقدامی که دارای احتمال آسیب رساندن به زندگی، اطلاعات، عملیات، محیط زیست و/یا اموال است یا این احتمال را نشان می‌دهد.

Warming Centers: - a short-term emergency shelter that operates when temperatures or a combination of precipitation, wind chill, wind and temperature become dangerously inclement.

مراکز گرمایشی: - یک پناهگاه اضطراری کوتاه‌مدت که وقتی دما یا ترکیبی از بارندگی، سرمای باد، باد و دما به‌طور خطرناکی نامساعد می‌شوند فعالیت می‌کند.

Warning: Communication intended to persuade members of the public to take one or more protective actions in order to reduce losses or harm.

هشدار: ارتباطی که با هدف متقاعد کردن عموم به انجام یک یا چند اقدام حفاظتی به‌منظور کاهش تلفات یا آسیب انجام می‌شود.

Wildfire: A large, destructive fire that spreads quickly over woodland or brush.

حریق بزرگ: یک آتش‌سوزی بزرگ و مخرب که به سرعت در جنگل یا دشت گسترش می‌یابد.

Wireless Emergency Alert (WEA): Wireless Emergency Alerts (WEA) were established pursuant to the Warning, Alert and Response Network (WARN) Act under Federal Communication Commission (FCC) rules. Alerting authorities can broadcast WEAs to cellular carrier customers with compatible mobile devices located in the geographic vicinity of cellular towers serving an affected area.

اخطار اضطراری بی‌سیم (WEA): «اخطارهای اضطراری بی‌سیم» (WEA) بر اساس قانون «شبکه هشدار، اخطار و پاسخ» (WARN) تحت «مقررات کمیسیون ارتباطات فدرال» (FCC) ایجاد شده است. مقامات هشداردهنده می‌توانند «اخطارهای اضطراری بی‌سیم» (WEA) را برای مشتریان شرکت مخابراتی تلفن همراه با دستگاه‌های تلفن همراه سازگار که در مجاورت جغرافیایی برج‌های تلفن همراه فعال در منطقه آسیب‌دیده قرار دارند، پخش کنند.

Volcano: A mountain or hill having a crater or vent through which lava, rocks fragments, hot vapor, and gas are being or have been erupted from the earth's crust.

آتشفشان: کوه یا تپه‌ای که دارای دهانه یا دریچه‌ای باشد که از طریق آن گدازه، قطعات سنگ، بخار داغ، و گاز از پوسته زمین فوران کند یا از آن فوران کرده باشد.